

روش‌های تدریس خلاقانه

دکتر سیده عصمت رسولی^۱، حسین امینی^۲، مریم قلی پور^۳، علی حلیمی^۴، مریم رودگریان^۵، نجیبه اکبرزاده^۶

چکیده

این مقاله شیوه‌های تدریس خلاقیت آفرین را با رویکرد کیفی و روش تحلیلی - توصیفی مورد بررسی قرار می‌دهد. در این مقاله خلاقیت و روش‌های تدریس خلاقانه تعریف و تشریح شده است. همچنین ضرورت پرورش خلاقیت در دانش آموزان، عوامل مؤثر در خلاقیت، موانع خلاقیت و ویژگی‌های دانش آموز خلاق بیان شده است. آموزش خلاقیت یادگیرندگان یکی از مهم‌ترین اهداف دست اندرکاران آموزش و پرورش است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که پژوهش، بستری مناسب برای تقویت و گسترش روحیه ابتکار، نوآوری، و خلاقیت است. معلم به عنوان ایجاد کننده شرایط و تسهیل کننده یادگیری دانش آموزان می‌تواند از طریق نوگرایی، انعطاف پذیری، عدم اجبار دانش آموزان به حفظ و انباشت ذهنی، شوخ طبعی، پرهیز از راهبردها و روش‌های قالبی آموزش، زمینه سازی برای ابراز وجود شاگردان و افزایش اعتماد به نفس در آنان، تحریک حس کنجکاوی فراگیران و بالاخره توأم ساختن آموزش و پرورش به آموزش خلاق و پرورش خلاقیت در کودکان و نوجوانان بپردازد.

کلمه‌های کلیدی: روش تدریس، خلاقیت، دانش آموزان

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری

^۲ دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری

^۳ دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری

^۴ دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری

^۵ دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری

^۶ دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری

1- مقدمه

یکی از اهداف خلقت بشر توسط خالق هستی بخش که در بین تمامی موجودات خود، او را «احسن تقویم» یاد کرده، انسان است و از ویژگی‌های اصلی انسان که او را نسبت به دیگر خلائق برتری داده، بهره‌مندی از قوه عقل و تفکر خلاق است؛ زیرا یکی از مشخصه‌های اصلی انسان قدرت آفرینندگی و خلاقیت اوست (حسینی، 1393).

خلاقیت اوج توانایی تفکر بشری است که توانسته است انسان را به مرحله پیشرفت و ترقی برساند و او را در حل تمام مسائل و مشکلات زندگی یاری دهد. نمونه‌های خلاقیت را می‌توان در نقاشی روی دیوار در زمان غارنشینان، خلق یک اثر هنری، ماشین‌آلات صنعتی و آشپزی و خیاطی و ... دید.

در حقیقت خلاقیت یک مفهوم انتزاعی و پیچیده است. اما ابهام در معنی و مفهوم کلمه به معنی پیچیدگی خود جریان خلاقیت نیست، زیرا خلاقیت را می‌توان به راحتی در زندگی روزانه حس کرد و آن را لمس کرد (گاردنر⁷، 1993).

اخیرا محققان و روان‌شناسان به بعد اجتماعی و محیطی آن توجه کرده‌اند و معتقدند که خلاقیت را نمی‌توان بدون توجه به ابعاد اجتماعی و محیطی آن بررسی کرد. به نظر استرانبرگ (۱۹۸۹) فرایند خلاقیت در ذهن شخص با متغیرهای اجتماعی رابطه دارد. واقعیت این است که به خلاقیت نمی‌توان با تمرکز بر یک بعد نگرست. ابعاد فردی یا محیطی نمی‌تواند بیانگر ماهیت خلاقیت باشند. بلکه خلاقیت از سویی نیز تابع نظام اجتماعی خلاق است. به همین دلیل خلاقیت هرگز نتیجه عمل فرد به تنهایی نیست.

یکی از ابعاد محیطی اجتماعی خلاقیت، مدرسه می‌باشد. تورنس بیان می‌کند مسئله توسعه خلاقیت در نظام آموزشی رسمی بیشتر از این جهت حائز توجه است که بر اساس پژوهش‌ها دریافته‌ایم که در ابتدا ابتکار و خلاقیت در اغلب کودکان مشاهده می‌شود ولی منحنی تحول آن در حدود ۱۰ سالگی افت می‌کند و سیر نزولی می‌یابد و نتیجه آن فقدان علاقه به یادگیری و افزایش مشکلات رفتاری و انگیزشی است. به قول تورنس عدم بروز این توانایی عموماً به نامناسب بودن روش‌های تدریس مربوط می‌شود (پاکیزه، 1384).

در این میان معلمان نقش کلیدی را بر عهده دارند. معلمان می‌توانند با استفاده از انواع روش‌های خلاق امکان ظهور خلاقیت در کودکان و نوجوانان را فراهم سازند. امروزه تمام کودکان دبستانی باید با واقعیت‌ها و مفاهیم علمی آشنا شوند زیرا زندگی در عصر صنعتی بدون استفاده از یافته‌های علمی تقریباً غیرممکن است (داو⁸ و همکاران، 2011).

مهمترین عامل در امر یادگیری خلاق، نقش معلم در آموزش است و این معلمان هستند که محیط‌های یادگیری خوبی می‌سازند و لذا کیفیت کار معلم در رأس امور مربوط به آموزش و یادگیری خلاق است؛ به طوریکه تدریس مؤثر همواره به مثابه عنصر حیاتی امور یادگیری است و معلم در کلاس درس نیز می‌تواند به مثابه مدیر کلاس خود باشد، زیرا او مدیر فن یادگیری است و یادگیری زمانی مؤثر است که یکی از عوامل اصلی آن، که معلم است کارآموده و با انگیزه و علاقه مند باشد تا بتواند در سایه تلاش برای آموزش بنیادی به انسانی ناآموده با تکنیک‌های خود، امر یادگیری خلاق را تسهیل بخشد، در نتیجه در هزاره سوم میلادی و در عصر انفجار اطلاعات که تغییر و تحول مستمر و پرشتاب از عمده‌ترین جریان‌های حاکم بر حیات بشری و از مهمترین مشخصه‌های بارز آن است، فرآیند خلاقیت، بسترساز تغییر و تحول و دگرگونی عمیق است

⁷ Gardner

⁸ Dau

(موریس⁹ و همکاران، 2011). با توجه به اهمیت تدریس در خلاقیت دانش‌آموزان، این پژوهش به بررسی روش‌های تدریس مبتنی بر خلاقیت می‌پردازد.

2- روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کیفی است که با استفاده از روش بررسی پیشینه پژوهش صورت گرفته است. این روش از سه مرحله به شرح زیر تشکیل شده است:

الف) شناسایی موضوع اساسی: در این مطالعه با در نظر گرفتن نیازسنجی و تعیین اهداف به عنوان شالوده تدوین برنامه درسی، فهم چستی نیازسنجی و هدف؛ ارتباط بین مبانی برنامه ریزی درسی آموزش عالی و نیازسنجی؛ جایگاه نیاز و در نهایت علت تنوع و تکثر الگوهای نیازسنجی به عنوان موضوعاتی که نیازمند کنکاش عمیق است، شناسایی گردید.

ب) بعداز شناسایی موضوع، جمع آوری داده‌ها در کتاب‌ها و مقالات مرتبط با موضوع مورد واکاوی قرار گرفت. تمامی مقالات از پایگاه مطالعات اسنادی جهان اسلام (ISC) و Google scholar جمع آوری گردید.

ج) تحلیل داده‌ها: تحلیل داده‌ها با استفاده از اسناد گردآوری شده و با تمرکز بر مسائل مرتبط با سوالات پژوهش صورت گرفت.

3- تاریخچه آموزش و یادگیری مبتنی بر خلاقیت

وقتی از آموزش خلاقیت و تاریخچه آن صحبت می‌شود، با نام خالق انسان، عجین می‌گردد، او که انسان را خلاق خلق نمود و در گوهر وجودش کنجکاوای را نهاد، تا پدیده‌های گوناگون او را تحریک نموده و به پرسش یا کشف آن ترغیب شود، و همانگونه که خداوند نو آفرید و بر خویش آفرین گفت: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون، آیه 14)؛ او نیز نو بیافریند و با دست یافتن به چرایی پدیده‌ها به خویشتن خویش و پروردگارش نزدیکتر گردد. آموزش و یادگیری مبتنی بر خلاقیت یکی از شیوه‌های نوین یادگیری است که توانسته است سطح دانایی و دانش را در جامعه بالا ببرد و جامعه‌ای که در آن گردش امور مبتنی بر دست آوردها، اطلاعات و شاخص‌های علمی باشد، جامعه دانش محور است که نمود آن در خیلی از جوامع امروزی آشکار است. تقریباً بیش از نیم قرن قبل از کاترین پاتریک آموزش و یادگیری مبتنی بر خلاقیت توسط والاس برای رفتار افراد خلاق طرح شده بود، والاس این شیوه را مورد آزمایش تجربی قرارداد. پس از آن کاری شبیه به این، توسط راسمن انجام شد. لمان در تحقیقات خود سعی در کشف ارتباط بین جنبه‌های کیفی و کمی رفتار خلاق داشت. این فعالیت‌ها در ایالات متحده آمریکا موجب شد تا مراکز مختلفی برای تحقیق پیرامون این مقوله به وجود آید. سپس پاول تارنس تحقیقات خود را در بررسی محیط و خلاقیت متمرکز نمود و کالوین تیلر در این زمینه به فعالیت پرداخت (سلطانی، 1384).

گذشته از این، جهت تشویق جوانان به تفکر غیرعادی و کسب شجاعت و جسارت در مطرح کردن ایده‌های نو و غیرمعمول هر ساله مسابقه‌ای به نام «المپیک نوآوران» برگزار می‌شود و برنده آن شخصی است که وسیله ساخته شده توسط او در عین حال که مفید است، از دیگران عجیب‌تر نیز باشد. در سرتاسر جهان امروز آموزش تفکر خلاقانه بخشی الزامی در برنامه آموزش

⁹ Morais

برای کودکان شده است. درحقیقت اشتیاق هر فردی به موضوع و آموزش خلاقیت مشاهده می‌شود (رایز برگ، ترجمه والفی، ۱۳۷۸).

اما در نظام آموزش کشور ما از لحاظ خلاقیت نقصان وجود دارد؛ به طوری که هر چیز به صورت کلمات یا معادلات بیان می‌شود و عمدتاً ابزارهای بیان در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرند نه تفکر خلاق و لذا یادگیری و یاد دادن خلاقیت موضوعی است که متأسفانه توجه کسی را به خود جلب نمی‌کند و همچون اغلب مقوله‌های تعلیم و تربیت نوین خلاقیت نیز موضوعی فراموش شده است (افشار کهن، ۱۳۸۹).

4- مفهوم خلاقیت

خلاقیت مفهومی است که مورد توجه فراوان روان‌شناسان به خصوص روان‌شناسان کمال قرار دارد و امروزه، همه محققان در این نظر متفق‌اند که اساس قدرت انسان ناشی «از خلاقیت» اوست؛ و اهمیت خلاقیت و نقش زیربنایی آن در کلیه مسائل زندگی بر همگان آشکار است. برخی صاحب‌نظران قائل به این تعریف هستند که خلاقیت کشفی ناگهانی است که این تعریف به مقوله کشف و شهود نزدیکتر است و برخی دیگر نیز قائل به این تعریف هستند که خلاقیت فرآیندی مداوم و مستمر است؛ در عین حال، نیازمند زمینه و بستر اولیه نیز می‌باشد، این مداومت در وجود فرد نوعی بی‌قراری، تلاش و کنکاش ایجاد می‌کند تا بدان جا که از خود چیزهای تازه ای به ظهور می‌رساند. فرد خلاق، پذیرای اندیشه‌های تازه است، او محیطی را به وجود می‌آورد که در آن تجربه‌ها را می‌آفریند (اسچاتر^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۶).

خلاقیت به معنای خلق و آفرینش اندیشه‌ها، ایده‌ها، افکار نو و بدیع، متفاوت نگرستن به امور، عبور از مرز دانسته‌های محدود به حیطه نادانسته‌های نامحدود و کشف و ابداع راه حل‌های جدید برای حل یک مسأله است. خلاقیت، تشخیص و بیان مسأله و ارائه راه حل‌های جدید برای آن است.

مهم‌ترین مسأله بعد از تشخیص خلاقیت در کودکان، حفظ و چگونگی پرورش آن است. باید انگیزه ذاتی خلاقیت، پرورش پیدا کند. بهترین روش برای حفظ خلاقیت در کودکان این است که به آنها کمک کنیم تا استعدادها و مهارت‌ها و علایقشان به یکدیگر مرتبط شود. درک و شناخت انگیزه درونی مرحله بسیار مهمی برای تشویق خلاقیت در کودکان است. باید زمینه ایجاد خلاقیت یعنی لذت و رضایت خاطر را در کودکان فراهم کنیم. یادآوری شایستگی‌ها و ایجاد استقلال برای تصمیم‌گیری در کودکان، موجب بروز خلاقیت در آنان می‌شود. کودکان از فعالیت‌هایی که احساس مسلط بودن به آن دارند، بیشتر لذت می‌برند و اگر احساس کنند که کار متعلق به آنهاست، بیشتر روی آن وقت می‌گذارند (هسو^{۱۱}، ۲۰۰۶).

5- تأثیر ارزشیابی توصیفی در بروز رشد و خلاقیت دانش‌آموزان

یکی از اهداف اساسی آموزش و پرورش شکوفایی خلاقیت دانش‌آموزان است. اما با وجود اهمیت این موضوع، به علت‌های مختلف تاکنون کمتر به پژوهش و مطالعه بنیادی و برنامه‌ریزی در زمینه پرورش خلاقیت دانش‌آموزان، پرداخته شده است و این درحالی

¹⁰ Schacter

¹¹ Hsu

است که به شدت به نسلی خلاق و نوآور نیازمندیم. برای ایجاد خلاقیت، هوش، استعداد، مهارت و تلاش لازم است، اما کافی نیست. انگیزه درونی نیز باید به آنها اضافه شود تا خلاقیت شکل گیرد. ما باید برای کودکان فرصت‌هایی را به وجود بیاوریم و مهارت‌هایی را به آنها آموزش دهیم تا استعدادهايشان را گسترش دهند و این محقق نخواهد شد مگر این که بین مهارت‌ها و علایق آنها وجه مشترکی بیابیم و آنها را رشد دهیم ارزشیابی توصیفی سعی کرده با تغییر در ساختار نظام ارزشیابی آن را به قدری انعطاف پذیر کند تا با شیوه‌ها و علایق یادگیری متفاوت، انطباق پیدا کند. در کلاس ارزشیابی توصیفی، کودکان در یادگیری فعال هستند و احساس غرور و مالکیت نسبت به کلاس درس خود دارند. آن‌ها در این کلاس آزادند تا انتخاب کنند. راهنمایی می‌شوند و اختیار دارند تا در محیط کلاس، آن گونه که دوست دارند، یاد بگیرند. معلمین در طرح ارزشیابی توصیفی، با ایجاد جوی صمیمی و مطمئن در کلاس درس فضایی مساعد را برای رشد خلاقیت دانش آموزان فراهم کرده‌اند تا آنها بتوانند با آسودگی در کلاس به اظهارنظر بپردازند و بدون نگرانی هر سؤالی را که در ذهن دارند، مطرح کنند. آن‌ها یاد گرفته‌اند که چگونه مهارت‌های یادگیری را در قلمرو خاص به کودکان بیاموزند. آن‌ها روش تفکر درباره مسائل و قوانین علمی را به دانش آموزان آموزش می‌دهند. تحقیقات نشان داده است روابط صمیمانه و توأم با علاقه و احترام، نقش مؤثری در خلاقیت دانش آموز دارد (مرادی نژاد، 1389).

در ارزشیابی توصیفی، یادگیری تفریحی مهم است. کودکان در کلاس تشویق می‌شوند که علایق، تجارب و ایده‌های خود را به کلاس درس بیاورند و اجازه دارند درباره هدف‌های کار روزانه خود با معلم بحث کنند. به آنها استقلال کاری داده می‌شود تا تصمیم بگیرند. احساس آرامش می‌کنند و تنش‌ها و فشارهای کسب نمره را ندارند. آن‌ها نه تنها از ایجاد هرگونه زمینه رقابت در کلاس درس، خودداری می‌کنند بلکه جوی را در کلاس ایجاد می‌کنند که دانش آموزان در انجام وظایف به همدیگر کمک کنند، در ایده‌ها با هم سهیم شوند و به نتیجه نهایی کارافتخار کنند و این یعنی خلاقیت (سولهو¹² و همکاران، 2006).

6- روش‌های عملی پرورش خلاقیت

هر یک از این روش‌ها می‌تواند خلاقیت دانش آموزان را پرورش دهد. در بهره‌گیری از این روش‌ها باید به ویژگی‌های روش خلاق توجه کرد.

- 1- داستان‌گویی و قصه نویسی
- 2- شرح حال نویسی و انشا نویسی
- 3- امور هنری از قبیل نقاشی
- 4- بیان شرح حال و زندگی بزرگان
- 5- استفاده از روش‌های تدریس متنوع: در تدریس موارد مختلف، هیچ‌گاه نباید از روش و الگوی واحدی استفاده کرد. افکار قالبی را در کودکان ایجاد نکنید و پرسش و پاسخ‌ها باید در کلاس درس، آزاد باشد، نه قالبی و محدود.
- 6- ایجاد فرصت برای یادگیری اکتشافی

¹² Coelho

۷- تشویق دستاوردهای خلاق کودکان (هونگیس^{۱۳} و همکاران، ۲۰۰۹).

۷- روش‌های پرورش خلاقیت

روش‌های پرورش خلاقیت، روش «بارش مغزی» و روش «بديعه پردازي» است. با توجه به محدودیت زمانی در آموزش و پرورش ایران، مسأله مهم این است که معلم باید چه زمینه‌هایی را به منظور پرورش خلاقیت کودک فراهم کند. با توجه به این امر، به نظر می‌رسد در سیستم آموزشی، باید دست معلم به اندازه کافی باز گذاشته شود. ساختار نظام آموزشی نباید معلم را محدود به ارائه درس کند، بلکه باید امکانات مناسبی به منظور پرورش خلاقیت‌های کودکان ارائه شود و معلم اجازه مانور داشته باشد تا به منظور پرورش خلاقیت، از حداقل زمان، حداکثر استفاده را ببرد. در این زمینه، فعالیت‌های فوق برنامه از اهمیت بسزایی برخوردار است. معلم، دانش آموز و برنامه درسی عواملی هستند که باید با یکدیگر ارتباط داشته باشند؛ چون تعامل بین آنها موجب رشد خلاقیت کودکان می‌شود (اسدی، ۱۳۸۹).

روش «بارش مغزی»، یعنی این که معلم سؤالی را مطرح می‌کند و به دانش آموزان اجازه می‌دهد تا همه نظرهایی را که به ذهنشان می‌آید، بیان کنند (خوب یا بد). نظرهای آنها به هیچ وجه مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرد. در نهایت، پاسخ‌های آنها که روی برگه نوشته شده، جمع آوری می‌شود. معلم با مقایسه تمام راه حل‌ها، بهترین پاسخ را برمی‌گزیند و از این طریق، ذهن به سمت سیال شدن سوق داده می‌شود.

روش «بديعه پردازي»، بیشتر در دوره ابتدایی به کار می‌رود و منظور از آن، برقراری ارتباط و پیوند بین امور به ظاهر نامربوط است (بوگنر^{۱۴} و همکاران، ۲۰۰۹).

۸- روش‌های تدریس خلاقانه

تدریس، تنها فعالیت معلم در کلاس درس نیست بلکه فعالیتی دو جانبه از طرف معلم و دانش آموزان می‌باشد که در جریان آن، بین دانش آموزان با یکدیگر و معلم تعامل وجود دارد. روش تدریس را می‌توان به دو گروه عمده تقسیم کرد: روش‌های تدریس فعال و روش‌های تدریس غیر فعال (سنٹی) (تنجیتانونت^{۱۵}، ۲۰۱۱).

در روش تدریس غیر فعال، فقط معلم نقش فعالی را در جریان تدریس به عهده دارد و مطالبی را که از قبل تعیین شده است بطور شفاهی در کلاس بیان می‌کند و دانش آموزان در این میان واکنش چندانی از خود نشان نمی‌دهند. بعبارت دیگر کودک برای مدرسه است نه مدرسه برای کودک. تدریس سنتی تنها وظیفه خود را این می‌داند که حافظه کودک را از معلومات انباشته سازد، آنرا به زیور علم بیاراید و با افکار بزرگ زینت بخشد (پارکر^{۱۶}، ۲۰۰۸).

بنابراین خلاقیت فقط جای اندکی در آموزش سنتی دارد، زیرا در آموزش سنتی کسب مهارت خواندن و نوشتن مهم است و ارائه مفاهیم به صورت شفاهی از طرف معلم و تکرار و حفظ کردن و پس دادن مطالب توسط شاگردان انجام می‌شود. بدین ترتیب ذهن

¹³ Hungies

¹⁴ Bogner

¹⁵ Tanjitanont

¹⁶ Parker

شاگردان با جزئیات شتاب زده و نامربوط انباشته می‌شود و آنها از یادگیری مطالب مهم درسی و قابل فهم محروم می‌گردند، و تلاشی برای پاسخ‌های چالش‌انگیز وجود ندارد (دبونو^{۱۷}، 1986).

شیوه‌های آموزش سنتی دانش‌آموزان را با روش‌های شناختی که مرتبط با دنیای فردا است همراه نمی‌کند و چنین تدریس نامناسبی همراه با عدم طرح موضوعات بحث‌برانگیز، محیط آموزشی ملالت‌آوری را ایجاد می‌کند. در نتیجه باعث عدم کنجکاوی و سوال و مشارکت از جانب کودک می‌شود. برای پر کردن این شکاف و فقدان می‌توان با روش‌های فعال و پویا مانع از کسب این دیدگاه سطحی نگر شد (سولهو و همکاران، 2006).

در مقابل روش تدریس سنتی، روش‌های دیگری وجود دارد که در آنها بر خلاف روش تدریس غیر فعال، دانش‌آموزان بیشتر فعالیت دارند و قسمت اعظم کار آموزش و تدریس به عهده دانش‌آموزان می‌باشد. در واقع یک تعامل دو طرفه بین دانش‌آموزان و معلم و دانش‌آموزان با یکدیگر وجود دارد. در این روش پیشنهاد می‌کنند که از وسعت برنامه کاسته شود و کیفیت برنامه مورد اهمیت باشد زیرا ثابت شده است معارفی که طی تفحصات و پژوهش‌های آزادانه مشخص بدست می‌آید بهتر در ذهن باقی می‌ماند و به شاگرد فرصت می‌دهد به کسب روش‌هایی نائل آید که در تمام دوره زندگی مورد استفاده قرار گیرد و بطور مداوم دامنه کنجکاوی او را توسعه می‌دهد و دانش‌آموز یاد می‌گیرد چگونه عقل خود را شخصاً بکار اندازد و بدین ترتیب آزادانه مفاهیم و تصورات خود را بنا می‌کند. بنابراین استفاده از روش فعال در ارائه درس نه تنها دانش‌آموزان را بر سر شوق و ذوق آورده و انگیزه یادگیری را در آنان تقویت می‌کند، بلکه معلم را در تبدیل محیط کلاس به جامعه‌ای کوچک و دلپذیر قادر می‌سازد. در نتیجه ایجاد و پیشرفت چنین محیط‌هایی است که حس کنجکاوی دانش‌آموزان برانگیخته می‌شود (موریس و همکاران، 2011).

یکی از راهبردهایی که معلم با روش فعال در هنگام تدریس انجام می‌دهد، استفاده از تمایلات و کنجکاوی طبیعی کودک در حل مساله و بیان مسائل بصورت حیرت‌آمیز است. این روش یادگیری و روش‌های علمی دیگر که بر اساس ساختار طبیعی کودک بنا گرفته، مهارت‌های روش تحقیق را به وی می‌آموزد تا در کودک فهم عمیقی از مهارت‌ها و راهبردهای علمی رشد پیدا کند (بوگنر و همکاران، 2009).

معلم باید متوجه این نکته باشند یادگیری واقعی صرفاً بخاطر سپردن مطالب نیست، بلکه یادگیری واقعی زمانی اتفاق می‌افتد که دانش‌آموز باید در ارتباط موضوع درسی مواد و ابزار قابل لمس داشته باشد و بتواند مطالب را در عمل نیز ببیند و آنها را تجزیه و تحلیل کند. در این صورت کودک مطالب را بهتر فرا می‌گیرد و انگیزه و کنجکاوی او تحریک می‌شود (هونگیس و همکاران، 2009).

بنابراین معلم باید برای برانگیختن فعالیت‌های مورد نظر خود از رغبت‌های طبیعی دانش‌آموزان استفاده کند و آنها را وادار نماید تا از روی رغبت و علاقه فعالیت نمایند و خلاقیت آنها را پرورش و شکوفا سازد.

تحقیقی توسط رمی و پیپر (۱۹۷۴) سولیوان (۱۹۷۴) انجام شد، محور آنها مقایسه کلاس‌های پویا یا باز با کلاس‌های سنتی بوده است. فضای کلاس‌های باز یا پویا برای رشد شرایط پژوهش، کنجکاوی، دستکاری، خودفرمانی و یادگیری مناسب بود (مرادی نژاد، 1389).

¹⁷ Debono

اما کلاس‌های سنتی در امتحان گرفتن، درجه بندی، تدریس مقتدارانه با سختگیری دنبال می‌شد و تغییر کمی در برنامه آموزشی خود ایجاد می‌کردند. همچنین سولیوان (۱۹۷۴) دریافت، بچه‌ها در کلاس باز در مقایسه با بچه‌های کلاس‌های سنتی نمره معنادار و بهتری در ۲ از ۴ تست گلیفورد بدست می‌آورند (داو و همکاران، ۲۰۱۱).

فراهم آوردن زمینه‌ها و شرایطی که به تقویت تفکر خلاق در مدارس منجر شود دامنه وسیعی دارد که از تغییر در نگرش‌ها تا روش‌های تدریس امتداد می‌یابد. در تحقیقی که ارتباط متقابل بین معلم و خود کارآمدی معلم‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته است، نشان داده شد نوع نگرش معلم به درس تعیین کننده سطح موفقیت آنان در تدریس آن درس می‌باشد. علاقه‌مندی و عدم علاقه‌مندی آنان به درس تاثیر مستقیم در نحوه آموزش آنان دارد و باعث ایجاد رفتارهای خود مدارانه یا شرکت دادن دانش آموزان در امر تدریس، تحقیق و آزمایش است و نتیجه آن رشد یا کاهش خلاقیت در کودکان می‌باشد (پارکر، ۲۰۰۸).

چامبرز (۱۹۷۳) در مطالعه‌ای از ۶۷۱ معلم، تاثیرات منفی و مثبت آنها را بر روی خلاقیت دانش‌آموزان مورد بررسی قرار داد. بررسی پاسخ‌ها نشان می‌داد: معلم‌هایی که موجب رشد خلاقیت در دانش‌آموزان هستند در مدیریت و هدایت کلاس به روش‌های غیر رسمی گرایش دارند. آنها به دانش‌آموزان اجازه می‌دهند موضوعاتی را که می‌خواهند، انتخاب کنند. پذیرای دیدگاه‌های غیر معمول آنها هستند، به خلاقیت پاداش داده، در بیرون از کلاس با دانش‌آموزان در تعامل هستند و تشویق استقلال دانش‌آموزان و عملکرد مثبت آنها را به عنوان نقش موثر الگوی خلاقیت می‌دانند. در مقابل رفتارهای متضاد که باعث کاهش خلاقیت می‌شود، عبارتند از: دلسرد کردن عقاید دانش‌آموزان، تاکید بر تکرار یادگیری، ناامنی، سختگیری و اعمال روش‌های سنتی که موجب تقلیل خلاقیت می‌شوند. به طور کلی در مطالعات متعددی که در زمینه کارایی روش‌های تدریس فعال صورت گرفته است، مطلوب بودن این روش‌ها را نسبت به روش‌های تدریس غیرفعال نشان می‌دهد. در مطالعه‌ای، کیفیت یادگیری به روش‌های سخنرانی، تمرین و تکرار، پرسش و پاسخ، نمایش... بررسی شده است؛ نتیجه نشان داده است که کیفیت یادگیری در روش‌هایی که همراه با فعالیت بیشتر دانش‌آموزان باشد، به رشد خلاقیت بیشتری می‌انجامد (تنجیتانونت، ۲۰۱۱).

شایان ذکر است یادگیری فعال در مقایسه با یادگیری نافع موجب می‌شود ارتباط‌های بیشتری برای یادگیرنده ایجاد شود. به طور کلی کلاس‌های غیر رسمی یا فعال تأثیر بیشتری در رشد خلاقیت می‌گذارند. اینگونه کلاس‌ها در مقایسه با محیط‌های محدود کننده سنتی تسهیل کننده خلاقیت هستند.

۹- نتیجه گیری

خلاقیت یک توانایی همگانی است که هم ناشی از عوامل مختلف فردی و شخصیتی است و هم عوامل اجتماعی آن مطرح است. هر چند توانایی تفکر خلاق به طور بالقوه و به نحو فطری در انسان به ودیعه نهاده شده است، اما ظهور آن مستلزم پرورش آن است. یکی از مکان‌های پرورش و رشد خلاقیت، مدرسه است. هنگامی که کودک وارد مدرسه می‌شود، فرایند اجتماعی شدن در محیط آموزشی شروع می‌شود. عوامل بسیار زیادی چون: تکالیف زیاد، تاکید بر حفظ دروس، اجرای برنامه‌های هماهنگ، عدم توجه به تفاوت‌های فردی و سرانجام عدم شناخت یا بی توجهی به ویژگی‌های کودکان خلاق، سبب می‌شود که قدرت خلاقیت آنان به تدریج کاهش یابد. اما اگر مدرسه شرایط خود و روش‌های تدریس را بر پایه شناخت و پرورش استعداد‌های دانش‌آموزان، نیاز

جامعه و نزدیک کردن محیط مدرسه به شرایط و زندگی بیرونی قرار دهد، می‌تواند در جهت شکوفایی خلاقیت در دانش آموزان گام بردارد.

در تحقیقی که توسط گوگن (۱۹۸۳) با استفاده از تست خلاقیت تورنس در نمونه‌ای از ۲۲۵ کودک در مدرسه انجام شد، مشخص گردید: روش‌های فعال بر رشد خلاقیت دانش آموزان به ویژه دختران بیشتر است. در مقابل دانش آموزان به روش سنتی کمترین افزایش خلاقیت را نشان داده‌اند. بعد از یک سال حتی خلاقیت آنان، پایین‌تر از خط پایه نسبت به گروه مقابل (روش فعال) نشان داده شد.

در تحقیقی دیگری که توسط هادون و لیتون (۱۹۶۸) در مقایسه بین دو کلاس پویا و سنتی انجام گرفت، مشخص شد که بچه‌ها بعد از گذشت ۴ سال از کلاس ابتدایی، برتری پایدارتری را در تفکر واگرا نسبت به بچه‌های با کلاسهای سنتی نشان داده بودند. میلگرام (۱۹۹۰) نیز معتقد است علت شکست مدرسه در رشد خلاقیت تا حد زیادی به تعلیم و تربیت همشکل و یکنواخت مربوط می‌شود. این در حالی است که هر کدام از بچه‌ها کاملاً با یکدیگر متفاوتند.

در نتیجه چنین مشاهداتی مشخص می‌شود، اگر محیط آموزشی بویژه روش‌های تدریس که مستقیماً مرتبط با تفکر کودک است، مناسب با رشد خلاقیت کودکان نباشد، باعث کاهش خلاقیت می‌شود. تا جایی که تورنس در اولین یافته‌هایش بیان می‌کند، در رشد خلاقیت کودکان اکتیو در کلاس چهارم وجود دارد که بدلیل وجود شرایط نامساعد مدرسه بویژه روش‌های تدریس است. همچنین در تحقیقات نشان داده شده است اگر شرایط مناسب تدریس برای کودک در همان کلاس چهارم وجود داشته باشد، این افت با کاهش کمتری روبرو می‌شود و چه بسا نسبت به دانش آموزان با روش سنتی نیز خلاقیت بیشتری نشان دهند. تورنس (۱۹۸۷) در نتایجی از ۳۰۸ مطالعه انجام شده، نشان می‌دهد که روش‌های تدریس مناسب، بر رشد خلاقیت کودکان تاثیر مثبت می‌گذارد و در ۷۰٪ موارد با موفقیت همراه است.

به طور کلی روش تدریس مناسب در مدارس نه تنها باعث می‌شود که خلاقیت کودکان رشد یابد، بلکه دانش آموزان را با دنیای فردا که مسئله و مشکلات بی شماری دارد، آماده‌ی حل مسئله، خلاقیت و نوآوری می‌کند. پس لازم است تا جامعه در آگاه کردن معلمان به انواع روش‌های فعال تلاش کند تا معلمان از روش‌های مناسب در کلاس خود استفاده کنند، کنجکاوی کودکان را برانگیزند و شرایط مناسب‌تری را برای خلاقیت کودکان ایجاد کنند.

منابع

1. اسدی، نسترن، (1389)، شناخت و آموزش خلاقیت در مدارس (فردا دیر است)، چاپ چهارم، تهران: عابد.
2. افشار کهن، زهرا، (1389)، بررسی تأثیر آموزش خلاقیت به معلمان بر خلاقیت دانش آموزان پایه اول ابتدایی استان خراسان در سال تحصیلی 1388-89، پایان نامه کارشناسی ارشد گروه علوم تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.
3. پاکیزه، علی، (1384)، بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی و خود پنداری دانشجویان شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز.
4. حسینی، افضل السادات، (1393)، بررسی تأثیر برنامه آموزش خلاقیت معلمان بر خلاقیت پیشرفت تحصیلی و خودپنداره دانش آموزان، مجله علمی-پژوهشی نوآوری‌های آموزشی، شماره 6، دوره 23.

5. سلطانی ، محمد صادق ، (1384) ، بررسی تأثیر روش یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان دوم دبیرستان ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
6. مرادی نژاد، عباس، (1389) ، بررسی تأثیر روش بدیعه پردازی بر افزایش خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه پنجم ابتدایی شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی
7. Bogner,B., and Ibraković, V. (2009). Creativity in Teaching Plant Production. *Educational Journal of Living Theories*, 2(2): 232-256.
8. Coelho de Oliveira , L. M. (2006). Child Education and Creativity: The Perspective of The teachers. Thesis of doctorate ,Psychology department, Campinas University, Sao Paulo, Brazil.
9. Dau Gaspar,O. (2011). The Teachers Creative Attitudes ,an Influence Factor of The Student’s Creative Attitudes. International Conference on The Future of Education, Florence,Italy,16-17June,2011.
10. Debono,E.(1986). Lateral Thinking. London: Penguin Books.
11. Gardner, H. (1993). Creating Minds: An Anatomy of Creativity seen Through The Lives of Freud, Einstein,Picasso,Stravinsky, Eliot ,Graham and Ghandi. New York: Harper Collins.
12. Hsu-Chan, K. (2006). The Development of Taiwan Creative Education Indicator (TCEI) and The Evaluation of The Creative Education Practice. Master’s Thesis. Education Department ,National Sun Yat-Sen University, Taiwan.
13. Hungies,S.K., and Changeiywo, J. M. (2009). Influence of Creativity Teaching Strategy on Student’s Performance and Motivation in The Topic “Energy” in Secondary School Physics in Nakuru District, Kenya. *Journal of Technology and Education in Nigeria*,14(1-2).
14. Morais, M. F., and Azevedo, I. (2011). What is a Creative Teacher and What is a Creative Pupil? *Procedia –Social and Behavioral Journal*,3(12):330-339 Myrmel,M. K. (2003). Effects of Using Creative Problem Solving in Eighth Grade Technology Education Class at Hopkins North Junior High School Master’s Thesis of Science Degree , Industrial /Technology Education , University Of Wisconsin – Stout.
15. Parker, J. (2008). The Impact of Visual Instruction on Student Creativity. Unpublished Doctoral Dissertation, Walden University.
16. Proctor,T. (1999). Creative Problem Solving for Managers. London: Routledge.
17. Schacter, J., Thum,Y., and Zifkin, D. (2006). How Much Does Creative Teaching Enhance Elementary School Student’s Achievement? *Journal of Creative Behavior*, 40(1):47-72.
18. Shallcross, D. J. (1985). Teaching Creative Behavior: How to Teach Creativity To Children of All ages. New York: Bearly.
19. Tanjitanont, P. (2011). Using Synectic Technique for Developing Creative English Writing Proficiency. 1st symposium on Hands-on Research and Development, Chiang Mai, Thailand.
20. Torrance, E.P. (1988). The Nature of Creativity as Manifest in Its Testing. In R.J, Sternberg (Ed.). *The Nature of Creativity* (PP.43.47). UK: Cambridge University Press.
21. Vernon, P.E.(1989). Nature – Nature in Creativity. in Glover J.A and Others (eds.). *Handbook of Creativity* . New York: Plenum Press.
22. Weisberg, R.W.(1995).Creativity. NewYork: Temple University.